

# State Duty to Protect Human Rights: The Necessity of Acceptance of Corporate Criminal Responsibility for Human Rights Violations in National Legal Systems

*Seyed Ghasem zamani<sup>1</sup>, Nasim Rahmannasab Amiri<sup>\*2</sup>*

1. Professor, Department of Public and International Law, Faculty of law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: zamani@atu.ac.ir

2. Ph.D. in Public International Law, Faculty of law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

\*. **Corresponding Author:** Email: nasim.amiry@gmail.com



S.D.I.L.  
The SD Institute of Law  
Research & Study



**Publisher:**

Shahr-e- Danesh  
Research And Study  
Institute of Law

**Article Type:**

Original Research

**DOI:**

10.22034/JCLC.2021.133145

**Received:**

26 December 2015

**Accepted:**

2 June 2016

**Published:**

6 September 2021



## ABSTRACT

Ascending role and potential of corporations and financial institutions, specifically transnational corporations in today world in one side, and their influence on affairs which were previously were considered as the sole competence of states in the other, have provoked serious human rights concerns about corporate human rights' violations. In order to respond to said concerns, the sate duty to protect human rights against third parties' interference (including corporations) has been recognized by international human rights law. Therefore, by employing all appropriate measure particularly legal initiatives, states have duty to battle human rights violations. Unfortunately, review of different national legal systems reveals that criminal law, as one of the most important parts of national

### Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



legal system has not been properly utilized in order to fulfill the state duty to protect human rights. The present article endeavor to prove that acceptance of corporate criminal liability, criminalization of corporate violations of, at least, the most fundamental human rights and also take advantage of criminal law measures are inevitable for convenient fulfillment of state duty to protect of human rights.

**Keywords:** Corporate, Human Rights, Duty to Protect, Criminal Law.

Excerpted from the doctoral dissertation entitled “The role of transnational corporations in the realization of human economic rights”, Allameh Tabatabai University, Faculty of Law and Political Science.

**Funding:** The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

**Author contributions:** Seyed Ghasem Zamani: Conceptualization, Methodology, Validation, Resources Data Curation, Supervision Project administration. Nasim Rahmannasab Amiri: Conceptualization, Methodology, Validation, analysis, Investigation, Resources, Data Curation Writing, Original Draft Writing, Review & Editing Supervision Project administration.

**Competing interests:** The authors declare that they have no competing interests.

---

### **Citation:**

zamani, Seyed Ghasem, Nasim Rahmannasab Amiri. “State Duty to Protect Human Rights: The Necessity of Acceptance of Corporate Criminal Responsibility for Human Rights Violations in National Legal Systems” *Journal of Criminal Law and Criminology* 9, no. 17 (September 6, 2021): 9-27.

# تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر: ضرورت طرح مسئولیت کیفری شرکت‌ها در قبال نقض حقوق بشر در نظام‌های حقوق داخلی

سید قاسم زمانی<sup>۱</sup>، نسیم رحمان نسب امیری\*<sup>۲</sup>

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: zamani@atu.ac.ir

۲. دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

\*: نویسنده مسئول: Email: nasim.amiry@gmail.com

## چکیده:

افزایش نقش و ظرفیت شرکت‌ها و مؤسسات مالی و اقتصادی، به‌ویژه شرکت‌های بسیار بزرگ و فراملی در دنیای امروز از یک‌سو و مداخله آنها در اموری که پیشتر در حوزه صلاحیت انحصاری دولت‌ها قرار داشته است از سوی دیگر، نقض حق‌های بشری توسط این شرکت‌ها را به یکی از دغدغه‌های مهم حقوق بشر بین‌الملل تبدیل نموده است. حقوق بشر بین‌الملل نیز برای مقابله با این نگرانی تعهد دولت‌ها به حمایت از حقوق بشر در برابر موارد نقض آن توسط اشخاص ثالث از جمله شرکت‌ها را به رسمیت شناخته است؛ در واقع، دولت‌ها متعهد هستند تا با استفاده از کلیه ابزارهای مناسب به‌ویژه ابزارهای حقوقی، با نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث مقابله نمایند. متأسفانه، بررسی نظام‌های حقوقی مختلف حاکی از آن است که حقوق جزا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق داخلی چندان‌که بایسته است، به‌منظور ایفای تعهد

## کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.



پژوهش‌های حقوق



نوع مقاله:

پژوهشی

DOI:

10.22034/JCLC.2021.133145

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴ دی ۵

تاریخ پذیرش:

۱۳ خرداد ۱۳۹۵

تاریخ انتشار:

۱۵ شهریور ۱۴۰۰



دولت به حمایت، مورد استفاده قرار نگرفته است. در این نوشتار تلاش شده، اثبات شود که پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها و جرم‌انگاری نقض حداقل برخی از حقوق بنیادین بشر توسط شرکت‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای حقوق جزا برای تعقیب و مجازات شرکت‌های مرتکب نقض حقوق بنیادین بشر، برای ایفای تعهد بین‌المللی دولت به حمایت از حقوق بشر ضروری است.

### **کلیدواژه‌ها:**

شرکت، حقوق بشر، تعهد به حمایت، حقوق جزا.

برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقش شرکت‌های فراملی در تحقق حقوق اقتصادی بشر»، دانشگاه علامه طباطبایی،

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

### **حامی مالی:**

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

### **مشارکت نویسندگان:**

سیدقاسم زمانی: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، اعتبارسنجی منابع، نظارت بر داده‌ها، نظارت مدیریت پروژه. نسیم رحمان‌نسب امیری: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، اعتبارسنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نظارت بر داده‌ها، نوشتن پیش‌نویس اصلی، نوشتن بررسی و ویرایش.

### **تعارض منافع:**

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

### **استناددهی:**

زمانی، سید قاسم و نسیم رحمان نسب امیری، «تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر: ضرورت طرح مسئولیت کیفری شرکت‌ها در قبال نقض حقوق بشر در نظام‌های حقوق داخلی». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی* ۹، ش. ۱۷ (۱۵ شهریور، ۱۴۰۰): ۹-۲۷.

## مقدمه

حقوق بشر بین‌الملل به منظور حمایت از کرامت ذاتی انسان در برابر آسیب‌های ناشی از قدرت نامحدود و بی‌رقیب دولت پا به عرصه وجود نهاد، اما در چند دهه اخیر جهانی شدن و رشد روزافزون قدرت برخی نهادهای غیردولتی از جمله شرکت‌ها و مؤسسات مالی و اقتصادی، به‌ویژه شرکت‌های فراملی، سبب شده که تهدیداتی جدید از جانب این قدرت‌های تازه برای حقوق بشر طرح شود. افزایش قدرت و نقش شرکت‌ها به‌ویژه در حوزه‌هایی که پیشتر در قلمرو صلاحیت انحصاری دولت قرار داشت و ظرفیت تأثیرگذاری‌شان بر حقوق افراد از یک‌طرف و پاسخگویی محدود آنها به قانون از طرف دیگر امکان نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها را افزایش داد و در نتیجه یافتن راه‌هایی برای ایجاد تعهدات حقوق بشر برای این شرکت‌ها و پاسخگویی مؤثر آنها را به‌عنوان یک ضرورت اساسی مطرح نمود. می‌توان ادعا کرد که حقوقدانان، سیاستمداران و فعالان حقوق بشر اتفاق نظر دارند که دولت‌ها به‌عنوان متعهدان اصلی و اولیه حقوق بشر، موظف‌اند از کلیه افراد و اشخاص حاضر در قلمرو صلاحیتشان در برابر نقض حقوق بشر توسط هر شخص، نهاد و یا موجودیت ثالث دفاع نمایند و در نتیجه نظام‌های ملی می‌بایست شرکت‌ها را که در قلمرو صلاحیتشان فعالیت می‌کنند از نقض حقوق بشر بازدارند و در صورت وقوع، جبران خسارت مناسب و کافی برای قربانیان فراهم آورند.

به این ترتیب دولت‌ها در انتخاب و تعیین نحوه استفاده از ابزارهای حقوق داخلی برای انجام تعهد بین‌المللی حمایت از حقوق بشر آزاد هستند، اما زمانی تعهد مورد نظر به درستی و کمال تحقق می‌یابد که دولت‌ها با استفاده از ابزارهای مناسب به نتایج مطلوب دست یابند و حمایت مؤثری از حقوق بشر برقرار کنند. یکی از ابزارهای بسیار مؤثر و مهم حقوق داخلی که به دلیل برخورداری از ویژگی‌ها، خصایص و ابزارهای منحصر به فرد جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوق داخلی دارد، حقوق جزا است. می‌توان ادعا نمود که تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر زمانی به درستی و کمال محقق می‌شود که دولت از ابزارهای مؤثر حقوق جزا نیز یاری گرفته و با جرم‌انگاری نقض حداقل حق‌های بنیادین توسط اشخاص ثالث، ضمن تلاش برای پیشگیری از وقوع، در صورت وقوع احتمالی، مرتکبان را مجازات نموده و شرایط لازم برای التیام وجدان جمعی آسیب‌دیده جامعه به دلیل نقض مهم‌ترین ارزش‌های مشترک و همچنین جبران خسارت قربانیان نقض حقوق مربوطه را فراهم آورد.

بررسی نظام‌های مختلف حقوق جزا نشان می‌دهد که نقض برخی از حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری در تقریباً تمامی نظام‌ها جرم‌انگاری شده‌اند، اما در تعداد قابل ملاحظه‌ای از نظام‌های حقوقی از پذیرش مسئولیت جزایی برای شرکت‌ها و جرم‌انگاری نقض‌های ارتکاب یافته توسط آنها خودداری شده و رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها یکسره به ابزارهای حقوق مدنی و یا اداری واگذار شده است. این در حالی است که همان‌گونه که در ادامه نوشتار توضیح داده خواهد شد، مداخله حقوق جزا برای رسیدگی به موارد نقض حداقل برخی از بنیادی‌ترین حق‌های بشر توسط شرکت‌ها ضروری است و در نتیجه، در صورتی دولت

تعهد بین‌المللی خود مبنی بر حمایت کامل از حقوق بشر را به‌درستی محقق می‌کند که از ابزارهای حقوق جزا در موارد لازم به‌درستی بهره‌مند شود.

البته باید توجه داشت در عمل، علی‌رغم پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها در برخی از نظام‌های حقوقی داخلی (از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلستان، استرالیا، ژاپن، کره جنوبی و بسیاری از نظام‌های کیفری اروپایی) و گرایش روزافزون به این امر، همچنان تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از نظام‌های حقوقی (برخی از نظام‌های کیفری اروپایی، آمریکای جنوبی، خاورمیانه و شمال آفریقا) تمایلی به پذیرش این تأسیس حقوقی در نظام حقوقی خود ندارند.<sup>1</sup> و در سطح نظری نیز منتقدان پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌ها، انتقادات بسیاری را چه در خصوص اصل پذیرش مسئولیت و چه در خصوص شیوه‌های متداول انتساب عمل مجرمانه و یا روش‌های مجازات اشخاص حقوقی مجرم مطرح کرده‌اند که مدافعان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز به انتقادات مطرح شده پاسخ‌هایی را داده‌اند. نوشتار حاضر درصدد بررسی ایرادات منتقدان، پاسخ به آنها و یا بررسی نظام‌های جزایی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته‌اند نیست، چه آنکه مطالعه موارد مذکور خود نیازمند تحقیقی جداگانه است، بلکه درصدد است با بیان ادله متعدد اثبات نماید بدون بهره‌گیری از ابزارهای حقوق جزا دولت نمی‌تواند از حقوق بشر در برابر مداخلات اشخاص قدرتمندی همچون شرکت‌ها به شایستگی حمایت نماید. به‌منظور اثبات ادعای مذکور، در نوشتار حاضر، بدو تعریف مختصری از تعهد دولت به حمایت ارائه می‌شود و در ادامه توسعه این مفهوم در پرتو رویه نهادها و دیوان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر بررسی خواهد شد. در بخش دوم نوشتار نیز توضیح داده خواهد شد که اولاً، بدون پذیرش مسئولیت کیفری شرکت، جلوگیری مؤثر و کامل از نقض حقوق بشر توسط این بازیگران قدرتمند فراهم نمی‌شود و روش‌های دیگر از جمله دادرسی‌های مدنی و اداری از قابلیت کافی برای تأمین این هدف برخوردار نیستند و ثانیاً، تنها در صورت پذیرش مسئولیت کیفری شرکت در برابر نقض حقوق بنیادین، مقصر حقیقی مجازات شده و جبران خسارت شایسته برای قربانیان فراهم خواهد شد؛ بنابراین در صورتی که دولت به‌درستی از ابزارهای مؤثر حقوق جزا استفاده نکند، نمی‌تواند تعهد بین‌المللی خود به حمایت از حقوق بشر را به نحو کامل تحقق نماید.

1. See: Richard S. Gruner, *Corporate Criminal Liability and Prevention* (New York: Law Journal Press, 2005); Amanda Pinto and Martin Evans, *Corporate criminal liability* (London: Sweet & Maxwell, 2003); Dominik Brodowski et al., *Regulating Corporate Criminal Liability* (New York: Springer, 2014).

البته برخی از نظام‌های حقوقی، همچون آلمان نیز علی‌رغم عدم پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها، تلاش می‌کنند با برقراری برخی جرایم و مجازات‌ها از طریق نظام اداری به نقض برخی از حق‌های بشری توسط این شرکت‌ها پاسخ دهند. Beth Stephens, "The Amoralty of Profit: Transnational Corporations and Human Rights", *Berkeley Journal of International Law* 20(2002): 63.

## ۱- تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر در نظام حقوق بین‌الملل بشر

حقوق بشر اساساً به‌منظور حمایت از کرامت ذاتی افراد در برابر قدرت مطلق دولت‌ها به‌وجود آمد و در نتیجه دولت‌ها به‌عنوان متعهدان اصلی این حقوق، بدواً متعهد بودند که از نقض حق‌های بشری خودداری نمایند. اما ظهور قدرت‌های جدیدی که قادرند حقوق بشر را همانند دولت‌ها و یا به نحو جدی‌تری نقض نمایند، سبب شده که تعهد دیگری در قبال حقوق بشر برعهده دولت‌ها قرار داده شود که آن عبارت است از تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر در قبال تعدی‌های اشخاص ثالث، به‌ویژه اشخاص ثالث قدرتمندی همچون شرکت‌های بزرگ و فراملی. تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر اگرچه به‌صراحت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بیان نشده است، اما به‌واسطه تلاش‌های نهادها و دیوان‌های مفسر و ناظر به اجرای این اسناد، امروزه به بخش مسلمی از تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر تبدیل گردیده است.

### ۱-۱- تعریف تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر

مفهوم تعهدات متعدد در قبال یک حق اولین بار توسط «هنری شاو» در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد.<sup>۲</sup> ایده گونه‌شناسی چندوجهی شاو بعدها توسط بسیاری از مفسران با واژگان «احترام، حمایت و اقدام»<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار گرفت. در سطح بین‌المللی اولین بار این اصطلاح توسط گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی ملل متحد در خصوص جلوگیری از تبعیض علیه و حمایت از اقلیت‌ها در گزارش حق بر غذای کافی به‌عنوان یک حق بشری، به کار رفت. بعدها نهادهای بین‌المللی ناظر بر اجرای معاهدات حقوق بشری و دیوان‌های منطقه‌ای از این گونه‌شناسی سه‌گانه تعهدات در چهارچوب تفسیر و تحلیل حق‌های مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشری و یا پرونده‌های مربوط به حقوق بشر استفاده کرد.<sup>۴</sup> تعهد به حمایت مستلزم اتخاذ اقدامات ایجابی مختلف از سوی دولت به‌منظور ممانعت از دخالت بازیگران غیردولتی از جمله افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و دیگر نهادها در بهره‌مندی از حقوق بشر است. در واقع «تعهد به حمایت به‌طور کلی مستلزم ایجاد و نگهداری فضا یا چهارچوبی ناشی از برهم‌کنش مؤثر قوانین، مقررات و ابزارهای دیگر به نحوی است که افراد و گروه‌ها بتوانند آزادانه از حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند شوند و یا آنها را محقق نمایند.» ردیابی تعهد به حمایت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر حاکی از آن است که در برخی از اسناد به‌ویژه اسناد جدیدتر، صراحتاً ماده و یا بخشی از یک ماده به این تعهد اختصاص یافته است؛ اما عمدتاً، اسناد حقوق بشری صرفاً حاوی مفادی کلی در این خصوص است که با صرفاً، ارائه یک تفسیر موسع می‌توان تعهد دولت به حمایت

2. See: Henry Shue, "The Interdependence of Duties" in *The Right to Food*, ed. Philip Alston and Katarina Tomasevski, (Dordrech: Martinus Nijhoff Publishing, 1984), 83.

3 Respect, Protect and Fulfill

4. See: Matthew C. R. Craven, *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Perspective on its Development* (Oxford: Oxford University Press, 1995), 109-114

را مورد شناسایی قرار داد.<sup>۵</sup> باتوجه به اشارات عمدتاً ضمنی و غیرمستقیم این اسناد به تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر افراد در برابر نقض آن توسط اشخاص ثالث، گسترش مفهوم تعهد به حمایت را می‌بایست حاصل تلاش نهادهای بین‌المللی ناظر بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و به‌ویژه آرای دیوان‌های منطقه‌ای حقوق بشر دانست.

## ۲-۱- توسعه مفهوم تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر در پرتو رویه نهادها و دیوان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر

نهادهای منطقه‌ای با پرونده‌های متعددی مواجه می‌شوند که مرتکبان اصلی نقض حقوق بشر، نه دولت‌ها بلکه اشخاص خصوصی هستند که در نتیجه فقدان قوانین بازدارنده و یا غفلت دولت در نظارت و یا حمایت مناسب از افراد مرتکب چنین اقداماتی شده‌اند. باتوجه به اینکه صلاحیت نهادها و دیوان‌های حقوق بشر محدود به بررسی شکایات علیه دولت‌هاست، نهادها و دیوان‌های مذکور با ارائه تفسیر موسع از تعهدات دولت‌ها در قبال بشر تلاش کردند با توسعه مفهوم تعهد به حمایت، دولت را ملزم به اتخاذ اقداماتی نمایند تا زمینه‌های نقض حقوق بشر توسط اشخاص خصوصی، از جمله شرکت‌های فراملی را تا حد امکان، از میان بردارد. به‌عنوان نمونه از دولت‌ها خواسته شده است تا سیاست‌هایی را برای ممانعت از وقوع و یا تنبیه ناقضان خصوصی حقوق بشر تدارک ببینند یا حمایت کافی در برابر کار اجباری را تضمین کنند و یا تضمین کنند که آزادی مطبوعات به نحو نامتناسبی احترام به حریم خصوصی را نقض نمی‌کند.<sup>۶</sup>

بررسی آراء و نظرات دیوان‌ها و نظرات مذکور آشکار می‌سازد که دولت‌ها به‌منظور ایفای تعهد خود بر حمایت از حقوق بشر می‌توانند سیاست‌هایی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی اتخاذ نمایند و یا قوانین و مقررات مدنی، کیفری و اداری در این زمینه تصویب نمایند و همچنین امکان بهره‌مندی از جبران خسارت شایسته را برای قربانیان نقض‌های احتمالی فراهم آورند.<sup>۷</sup> بنابراین همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید دولت‌ها علی‌الاصول در تعیین ابزارهای لازم برای حمایت از حقوق بشر آزاد هستند، مشروط بر اینکه این ابزارها مؤثر و کارآمد باشد. البته در برخی از آراء و نظرات صادره در خصوص برخی از موارد نقض حقوق بشر استفاده از ابزارهای حقوق جزا به‌عنوان ابزار مؤثر تشخیص داده شده است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد یکی از

۵. نک: بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا موهن، بند ۲ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، مواد ۱، ۱۴، ۱۶ و منشور حقوق بشر و مردم آفریقا و ماده ۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.

6. Andrew Clapham, "Regional Human Rights Bodies", in *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, ed. Andrew Clapham (Oxford: Oxford University Press, 2006), 348.

7. See: Manisuli Ssenyonjo, *Economic, Social and Cultural Rights in International Law* (Oxford: Hart Publishing, 2009), 23.



روش‌های بسیار مؤثر برای حمایت کامل از حقوق بشر، جرم‌انگاری موارد نقض حقوق بشر به‌ویژه برخی از بنیادی‌ترین حق‌های بشری و همچنین پیگرد، محاکمه و مجازات مجرمان با استفاده از ابزارهای حقوق جزا است. به این منظور با بررسی آراء و نظرات نهادهای ناظر بر چهار معاهده بسیار مهم حقوق بشری (میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم)، تلاش می‌شود به این پرسش که آیا تعهد دولت به جرم‌انگاری، تعقیب، محاکمه کیفری و مجازات مرتکبان نقض حقوق بشر، اشخاص حقوقی و به‌ویژه شرکت‌های فراملی را نیز دربرمی‌گیرد یا خیر پاسخ داد.

پیش از بررسی آراء و نظرات نهادهای ناظر بر معاهدات حقوق بشری مذکور، توجه به این نکته ضروری است که در هیچ‌یک از این معاهدات صراحتاً به تعهد ایجابی دولت مبنی بر جرم‌انگاری موارد نقض حقوق بشر اشاره‌ای نشده است و تنها از دولت‌ها خواسته شده است که با استفاده از هر روش و ابزاری از موارد نقض جلوگیری کرده و یا موارد نقض توسط قانون ممنوع شود؛ اما همان‌گونه که پیشتر اشاره شده نهادهای ناظر بر اجرای این معاهدات (کمیته حقوق بشر و دیوان‌های اروپایی، آمریکایی حقوق بشر و کمیسیون آفریقایی حقوق بشر) با ارائه تفاسیر موسع صراحتاً نقش مؤثری بر توسعه و ترویج تعهدات ایجابی دولت ایفاء نمودند. کمیته حقوق بشر در نظرات عمومی خود مقرر می‌دارد دولت‌ها متعهد هستند از افراد در برابر نقض حقوق بشر، نه تنها توسط نمایندگان دولت، بلکه توسط افراد و نهادهای خصوصی نیز حمایت نمایند.<sup>۸</sup> کمیته همچنین در موارد متعدد تأکید می‌کند حمایت مؤثر از حقوق بشر افراد ممکن است مستلزم جرم‌انگاری، تعقیب کیفری، محکومیت و مجازات کیفری نیز باشد.<sup>۹</sup> بررسی نظرات کمیته حقوق بشر نشانگر آن است که این نهاد، جرم‌انگاری و تعقیب کیفری موارد نقض حقوق بشر را یکی از راه‌های مناسب و ضروری برای حمایت از حقوق بشر می‌داند و اگرچه این نهاد صراحتاً از شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و شرکت‌ها به‌صورت خاص سخنی به میان نمی‌آورد، ولی اشاره به «نهادهای خصوصی»<sup>۱۰</sup> در نظرات این نهاد را می‌توان به‌منزله تعهد دولت به برقراری مسئولیت کیفری برای شرکت‌ها در مواردی که برای حمایت مؤثر از حقوق بشر ضروری باشد، محسوب نمود.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در بسیاری از آرای صادره به‌ویژه در موارد نقض حقوقی همچون

8. "The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant", (Human Rights Committee: General Comment No. 31, 29 March 2004), par. 8.

9. "The right to life", (Human Rights Committee: General Comment No. 6, 30 March 1982), par. 3; Human Rights Committee: View of 29 March 1982, *Bleier v. Uruguay*, Comm. 30/1978, para 11-15; Human Rights Committee: View of 13 November 1995, *Bautista v. Colombia*, Comm. 563/1993, para 8.6, 10; Human Rights Committee: View of 29 July 1997, *Arhuaco v. Colombia*, Comm. 612/1995, par 8.2; Human Rights Committee: Concluding Observations, Senegal, CCPR A/53/40 vol. I (1998), par. 61; Human Rights Committee: Concluding Observations, Libyan Arab Jamahiriya, CCPR A/54/40 vol. I (1999), par. 130; Human Rights Committee: Concluding Observations, Suriname, CCPR A/59/40 vol. I (2004), par. 69 (11-12).

10. Private Entities

حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت برده‌داری، حریم شخصی، آزادی بیان و آزادی اجتماعات<sup>۱۱</sup>، «تعهد دولت‌ها به برقراری مقررات مؤثر در حقوق جزایی داخلی به‌منظور بازداری اشخاص خصوصی از نقض این حقوق و مجازات مرتکبان»<sup>۱۲</sup> را صراحتاً به رسمیت شناخته است. دیوان اروپایی حقوق بشر در برخی از پرونده‌ها از جمله پرونده «انریلدیز علیه ترکیه»<sup>۱۳</sup> قویاً اعمال حقوق کیفری علیه اشخاص خصوصی را در برخی از شرایط ضروری محسوب می‌کند.<sup>۱۴</sup> بررسی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر نیز روشن می‌کند که این دیوان در مواردی که مداخله حقوق کیفری داخلی برای برخورد با نقض حقوق بشر را به‌عنوان یکی از تعهدات دولت در حمایت از حقوق بشر ضروری محسوب می‌نماید، توجهی به ماهیت مرتکب از حیث شخص حقیقی و حقوقی ندارد و با اتخاذ یک رویکرد عمل‌گرا صرفاً تأکید می‌کند که مداخله حقوق کیفری باید به خوبی جنبه بازدارندگی و سرکوب‌کنندگی داشته باشد.<sup>۱۵</sup>

دیوان آمریکایی حقوق بشر، برخلاف دیوان اروپایی حقوق بشر که ضرورت جرم‌انگاری نقض برخی از حق‌های بشری را به رسمیت می‌شناسد، بر ضرورت مداخله حقوق کیفری در خصوص نقض کلیه حق‌های بشری تأکید می‌کند. این دیوان در پرونده «پرووزو علیه ونزوئلا»<sup>۱۶</sup> مقرر می‌دارد: «توسل به حقوق و تعقیب کیفری در موارد حمایت از حقوق بنیادین در برابر اعمالی که منجر به نقض شدید این حقوق می‌شوند و در مواردی که [توسل به این حقوق] با شدت خسارات ناشی از نقض تناسب دارد، باید مورد استفاده قرار گیرد.»<sup>۱۷</sup> بنابراین به‌نظر می‌رسد در رویه دیوان آمریکایی حقوق بشری تردیدی در ضرورت توسل به حقوق کیفری در موارد نقض حقوق بشر برای رعایت تعهد به حمایت دولت از حقوق بشر وجود ندارد، اما در هیچ‌یک از آرای دیوان مذکور صراحتاً به ضرورت ایجاد مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و یا شرکت‌ها در موارد نقض حقوق بشر اشاره نشده است.

11. See: European Court of Human Rights, Judgment of 12 april 2007, Ivan Vasilev v. Bulgaria, Appl. 48130/99, par. 58 (ill-treatment by police); European Court of Human Rights, Judgment of 4 December 2003, M.C. v. Bulgaria, Appl. 39272/98, par. 148-153, 185-186 (rape by private individuals); European Court of Human Rights, Judgment of 26 July 2005, Siliadin v. France, Appl. 73316/01, par. 89 en 143-144 (slavery by private individuals); European Court of Human Rights, Judgment of 3 May 2007, Gldani Congregation of Jehovah's Witnesses v. Georgia, par. 133-135 (private violence against religious community).

12. European Court of Human Rights, Grand Chamber Judgment of 28 October 1998, Osman v. the United Kingdom, Appl. 23452/94, par. 115.

13. Oneryildiz v. Turkey

14. European Court of Human Rights, Grand Chamber Judgment of 30 November 2004, Oneryildiz v. Turkey, Appl. 48939/99, par. 71

15. See: P.H.P.H.M.C. van Kempen, "Human Rights and Criminal Justice Applied to Legal Persons: Protection and Liability of Private and Public Juristic Entities under the ICCPR, ECHR, ACHR and AfChHPR", *Electronic Journal of Comparative Law* 14.3 (2010): 27, Accessed December 12, 2015, <http://www.ejcl.org>.

16. Perozo v. Venezuela

17. Inter American Court of Human Rights, Judgment of 28 January 2009, Perozo v. Venezuela, par. 300.

در عین حال با عنایت به اینکه در موارد متعدد از عبارت «مرتکبان نقض»<sup>۱۸</sup> و یا «آنانی که مسئول نقض این حقوق هستند»<sup>۱۹</sup> استفاده شده است، می‌توان نتیجه گرفت که دیوان تفکیکی میان تعقیب کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی قائل نشده و در هر حال مرتکب باید مورد پیگرد کیفری قرار گیرد.<sup>۲۰</sup> کمیسیون آفریقایی حقوق بشر نیز علاوه بر تصدیق تعهدات اجباری دولت بر اتخاذ اقدامات مقتضی برای ممانعت از نقض حقوق بشر، دولت را متعهد به اعمال مجازات در موارد نقض حقوق بشر توسط اشخاص خصوصی دانسته و از دولت‌ها می‌خواهد که شرایط لازم را برای جبران خسارت قربانیان فراهم آورند.<sup>۲۱</sup> به موجب این تعهد دولت باید اعمالی را که به حقوق شناسایی شده در حقوق بشر بین الملل لطمه وارد می‌کند، تعقیب و محاکمه نموده و کیفر دهد.<sup>۲۲</sup> این تعهد دولت ناظر به مواردی که اعمال مذکور توسط بازیگران غیردولتی یعنی افراد، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های غیردولتی ارتکاب می‌یابد نیز خواهد بود.<sup>۲۳</sup>

## ۲- ضرورت بهره‌گیری از حقوق جزا برای تحقق کامل تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر

همان‌گونه که در بخش اول نوشتار حاضر بررسی شد، اگرچه در اسناد بین‌المللی و آراء و نظرات نهادهای مجری و مفسر این اسناد دولت‌ها صراحتاً به پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها برای نقض حقوق بنیادین بشر ملزم نشده‌اند، اما تردیدی وجود ندارد که بر مبنای اسناد و آرای مذکور دولت‌ها متعهد هستند با استفاده از کلیه ابزارها و روش‌های ممکن و متناسب، از نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث جلوگیری نمایند. این بخش از نوشتار در صدد اثبات آن است که بدون بهره‌گیری از ابزارهای حقوق جزا، پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها و جرم‌انگاری نقض‌های بنیادین حقوق بشر توسط این نهادها، تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر به نحو کامل و شایسته محقق نخواهد شد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در صورتی تعهد به حمایت محقق شده است که اولاً تا حد امکان و با بهره‌مندی از کلیه ابزارها، از وقوع نقض حقوق بنیادین بشر جلوگیری شود و ثانیاً، در صورت وقوع، مرتکب مجازات شده و جبران خسارت مقتضی برای قربانیان فراهم شود. در بخش حاضر در دو بند بیان خواهد شد که اولاً، بدون پذیرش مسئولیت کیفری شرکت، جلوگیری مؤثر و کامل از

18. "The Authors of the Violations"

19. 'Those Responsible for Violations'

20. See: Inter American Court of Human Rights, Order of 31 May 2001, Cesti-Hurtado v. Peru, par. 60, 63; Inter American Court of Human Rights, Judgment of 28 January 2009, Perozo v. Venezuela, par. 118; Inter American Court of Human Rights, Order of 27 January 2009, Luis Uzcátegui v. Venezuela, par. 30; Inter American Court of Human Rights, Judgment of 26 November 2008, Tiu Tojin v. Guatemala, par. 69; Inter American Court of Human Rights, Judgment of 29 July 1988, Velásquez Rodríguez v. Honduras, par. 173, 176, 181.

21. African Commission on Human and Peoples' Rights, "Zimbabwe Human Rights NGO Forum/Zimbabwe", (Comm. 245/2002, Report of 11-25 May 2006), par. 136.

22. Ibid., par. 146, 153, 160

23. Ibid., par. 136 in relation to par. 142-160.

نقض حقوق بشر توسط این بازیگران قدرتمند فراهم نمی‌شود و روش‌های دیگر از جمله دادرسی‌های مدنی و اداری از قابلیت کافی برای تأمین این هدف برخوردار نیستند و ثانیاً، تنها در صورت پذیرش مسئولیت کیفری شرکت در برابر نقض حقوق بنیادین، مقصر حقیقی مجازات شده و جبران خسارت شایسته برای قربانیان فراهم خواهد شد.

## ۲-۱- پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌های ناقض حقوق بشر و پیشگیری از وقوع نقض حقوق بنیادین بشر

یکی از مهم‌ترین اجزای تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر در مقابل اشخاص ثالث تعهد به استفاده از کلیه ابزارهای لازم به منظور پیشگیری از موارد نقض است. دولت می‌تواند با استفاده از ابزارهای متعدد ترغیبی، سیاست‌گذاری‌های مختلف و از میان بردن بسترهای لازم برای نقض حقوق بشر تا حدودی از موارد نقض جلوگیری نماید، اما بدیهی است که جرم‌انگاری اعمال ناقض ارزش‌های اساسی جامعه از جمله حقوق بنیادین بشر و تعقیب کیفری متهم و برقراری مجازات متناسب، یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی است که به صورت انحصاری در اختیار حقوق جزا قرار دارد. می‌توان گفت که تهدید به مجازات یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است، یعنی استفاده از مجازات به عنوان عامل بازدارنده‌ای مانع از تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به طور کلی انگیزه دیگران برای ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.<sup>۲۴</sup> در واقع هراس برآمده از مجازات سبب می‌شود که مجرمان بالقوه از جرم دوری کنند، چراکه با سنجش بخردانه موقعیت نتایج ناخوشایند حاصل از جرم را به ثمرات مطلوب آن برتر می‌بینند، لذا ترس از اعمال ضمانت اجرای کیفری، مجرمان را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید.<sup>۲۵</sup>

خوش‌نامی و پذیرش شرکت چه از طرف سرمایه‌گذاران و مشتری‌ها و چه از سوی اجتماع محلی که شرکت باید در آن فعالیت‌ها و عملیات اجرایی خود را انجام دهد، برای حیات یک شرکت، فعالیت و سوددهی آن دارای اهمیت اساسی است و وجود سوابق سوء اجتماعی می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را به شرکت وارد نماید. بدیهی است که باتوجه به حساسیت بالای شرکت‌ها نسبت به خوش‌نامی، در صورت پذیرش مسئولیت کیفری برای شرکت‌ها و جرم‌انگاری نقض حقوق بنیادین بشر می‌تواند اثر بسیار مهمی در پیشگیری از وقوع این موارد توسط شرکت‌ها داشته باشد.

البته ممکن است این ایراد مطرح گردد که رسیدگی مدنی به موارد نقض حقوق بشر نیز می‌تواند لطمات قابل ملاحظه‌ای به خوش‌نامی شرکت وارد آورده و به این ترتیب تعهد دولت به پیشگیری از موارد نقض به خوبی محقق گردد. در این خصوص باید توجه کرد رسیدگی مدنی به موارد نقض حقوق بشر، حتی اگر منجر به محکومیت شرکت ناقض حقوق مذکور شود و شرایط لازم برای جبران خسارت قربانیان را نیز فراهم آورد، هرگز قدرت تأثیرگذاری و محکومیت اخلاقی شرکت در نزد افکار

۲۴. مارک تیت، *فلسفه حقوق*، ترجمه حسن رضایی خاوری (مشهد: موسسه فرهنگی قرن، ۱۳۸۴)، ۲۵۲.

۲۵. جان کاتینگهام، *فلسفه مجازات*، ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی، *مجله فقه و حقوق* ۱(۴) (۱۳۸۴)، ۱۵۸.

عمومی را به دنبال نخواهد داشت. در حقیقت، تلقی یک عمل به عنوان عملی مجرمانه، دیدگاه جامعه مبنی بر عدم پذیرش مشروعیت سود حاصل از آن عمل را بر مبنای دلایل اخلاقی بازتاب می‌دهد.<sup>۲۶</sup> بنابراین عدم رسیدگی کیفری به نقض‌های حقوق بشر، جامعه را از حق بر بیان بیزاری خود از اعمالی که منجر به نقض هنجارها و ارزش‌های جامعه می‌شود، محروم می‌کند.<sup>۲۷</sup> به علاوه، در عمل نیز در بسیاری از موارد نتایج حاصل از رسیدگی‌های مدنی، با استناد به حق شرکت به حفظ اطلاعات و اسرار و یا حفاظت از حریم خصوصی هرگز منتشر نمی‌شود و در نتیجه قادر نیست که با ایجاد ترس از بدنامی، قدرت بازدارندگی و پیشگیری لازم را ایفاء نماید.<sup>۲۸</sup>

پذیرش مسئولیت کیفری برای شرکت‌ها در برابر نقض‌های حقوق بشر و جرم‌انگاری موارد نقض توسط شرکت‌ها می‌تواند دارای یک اثر جانبی نیز باشد که به پیشگیری از وقوع موارد نقض کمک شایانی خواهد نمود. شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های بزرگ و فراملی دارای ساختارهای پیچیده و ارتباطات گسترده و فرامرزی هستند و در برخی از موارد، مکانیسم‌های نظارتی داخلی شرکت‌ها، حتی بیشتر و مؤثرتر از مکانیسم‌های نظارتی خارجی، به عنوان نمونه مکانیسم‌های نظارتی دولتی، می‌تواند از وقوع نقض حقوق بشر جلوگیری نماید. در صورتی که شرکت و سهامداران آن، خطر تعقیب و محکومیت جزایی را به گونه‌ای احساس کنند که بتواند لطمات جبران‌ناپذیری را به حیات و سودآوری شرکت وارد کند، انگیزه بسیار قوی‌ای برای طراحی و اجرای سیستم‌های نظارتی در شرکت برای پیشگیری از موارد نقض حقوق بشر خواهند داشت که این خود کمک بسیار زیادی به پیشگیری از نقض حقوق بشر خواهد داشت.

## ۲-۲- پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌های ناقض حقوق بشر، مجازات مرتکب حقیقی و جبران خسارت شایسته برای قربانیان

مجازات ناقضان حقوق بنیادین بشر و برقراری جبران خسارت مناسب برای قربانیان، بخش مهم دیگر از تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر است؛ بنابراین در صورتی که شرکت مرتکب نقض حقوق بشر، به‌ویژه برخی از حقوق بنیادین که از ارزش‌های بنیادین بشری ناشی است، می‌شود، صرفاً رسیدگی کیفری و مجازات مرتکب است که می‌تواند پاسخی شایسته به این اقدام باشد. اساساً به‌دشواری می‌توان پذیرفت که صرف رسیدگی اداری و مدنی را بتوان پاسخی شایسته به نقض یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های جامعه دانست. برخی از مفسران معتقدند که اساساً جبران خسارت‌های مدنی سبب کم‌ارزش به نظر رسیدن نقض‌های حقوق بشر خواهد شد.<sup>۲۹</sup> توجه به این نکته ضروری

26. John C. Coffee, "Does 'unlawful' mean 'criminal'?: reflections on the disappearing tort/crime distinction in American law", *Boston University Law Review* 71 (1991): 203.

27. Dan M. Kahan, "Social meaning and the economic analysis of crime", *The Journal of Legal Studies* 27(S2) (1998): 622.

28. See: Benjamin C Fishman, "Binding Corporations to Human Rights Norms Through Public Law Settlement", *New York University Law Review* 81(2006): 1433-1468.

←29. Lyals Sunga, *Individual Responsibility in International Law for Serious Human Rights*

است که زمانی که یکی از حق‌های بنیادین بشر نقض می‌شود، نه تنها قربانیان مستقیم، بلکه کل جامعه متضرر می‌گردد و بنابراین مقامات عمومی با استفاده از ابزارهای حقوق جزا می‌بایست به لطمه وارد شده به جامعه رسیدگی نمایند و علاوه بر برقراری نظم آسیب‌دیده و تشریح خاطر قربانیان مستقیم و غیرمستقیم، به این نگرانی اخلاقی که در صورت عدم تعقیب کیفری شرکت‌های ناقض حقوق بشر - شرکت‌هایی که از نقض جدی حقوق بشر سود می‌برند - می‌توانند به فعالیت در فضای اقتصادی با برخورداری از مصونیت ادامه دهند،<sup>۳۰</sup> نیز پاسخ شایسته‌ای دهند. مضافاً، عدم رسیدگی کیفری به اعمال شرکت‌ها به‌عنوان مقصران اصلی نقض‌های گسترده حقوق بشر، در مواردی سبب ایجاد احساس بی‌عدالتی در جامعه می‌شود که این امر می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را ایجاد نماید.<sup>۳۱</sup> اعمال مسئولیت کیفری برخلاف دادرسی مدنی، مستلزم مداخله مقامات عمومی است که این امر به‌خودی‌خود دارای منافع بسیار روشنی است. کنترل و پیگیری نقض‌های جدی حقوق بشر توسط شرکت‌ها نباید برعهده قربانیان نقض قرار داده شود چراکه در بسیاری از موارد قربانیان دارای ابزارها و قدرت کافی برای پیگیری این موارد نقض نیستند. در پیگیری کیفری موارد نقض، قدرت اطراف دعوا یعنی شرکت‌های قدرتمند فراملی و نمایندگان قوای عمومی، دادستان و نیروهای دادستانی، تناسب و توازن بیشتری دارد و نماینده قوای عمومی از اختیارات قابل ملاحظه‌ای برای کشف حقیقت برخوردار است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان مدارک شرکت را به‌صورت اجباری بررسی نموده و یا به‌منظور کشف حقیقت، کارکنان و مدیران شرکت را بازجویی کند. حتی در مرحله پس از صدور رأی نیز، دادرسی‌های مدنی حتی فرض صدور رأی به نفع قربانیان، شرکت ممکن است بتواند که با استناد به حق بر حفاظت از اطلاعات محرمانه از افشای رأی جلوگیری به عمل آورد و این امر به میزان قابل ملاحظه‌ای جنبه بازدارندگی حکم را زیر سؤال می‌برد، حال آنکه در دادرسی کیفری کاملاً عکس این موضوع مصداق دارد.<sup>۳۲</sup>

همان‌گونه که توضیح داده شد، تعقیب کیفری مرتکبان نقض حقوق بنیادین علاوه‌براینکه به تحقق یکی از تعهدات بین‌المللی دولت منجر می‌شود، می‌تواند منافع بسیاری را برای جامعه و قربانیان نقض به‌دنبال داشته باشد و اساساً در این زمینه تردید چندانی وجود ندارد، اما برخی از منتقدان بیان می‌کنند که شرکت‌ها به‌عنوان موجوداتی فرضی و انتزاعی نمی‌توانند مرتکب جرم شوند و این افراد حقیقی اداره‌کننده شرکت‌ها هستند که عملاً با اتخاذ تصمیمات و انجام اقداماتی در عمل مرتکب نقض حقوق بشر شده و در حقیقت تعقیب کیفری و مجازات این افراد می‌تواند همان آثار

*Violations* (Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers, 1999), 111-116.

30. Anita Ramasastry, "Corporate Complicity: From Nuremberg to Rangoon. An Examination of Forced Labor Cases and their Impact on the Liability of Multinational Corporations", *Berkeley Journal of International Law* 20(2002): 96-97.

31. Mordechai Kremnitzer, "A Possible Case for Imposing Criminal Liability on Corporations in International Criminal Law", *Journal of International Criminal Justice* 8 (2010): 914.

32. Jonathan Clough, "Not-so-innocents abroad: corporate criminal liability for human rights abuses", *Australian Journal of Human Rights* 11(1)(2005): 1-32.

و منافع را برای جامعه و قربانیان به همراه آورد. در پاسخ به این انتقاد باید گفت علی‌رغم اینکه در حال حاضر در موارد بسیاری نقض برخی از حق‌های بنیادین حقوق بشر توسط افراد جرم‌انگاری شده است ولی این امر در ارتباط با مواردی که شرکت‌ها در نقض حقوق مربوطه دخیل هستند، کافی به نظر نمی‌رسد. همواره نمی‌توان اعمال شرکت‌ها را به افراد فروکاست، چراکه در یک ساختار شرکتی افراد عمدتاً در فرایندهای تصمیم‌گیری دسته‌جمعی شرکت می‌کنند، بدون آنکه الزاماً به نتایج نهایی آگاهی داشته باشند.<sup>۳۳</sup> در این شرایط ممکن است هیچ فردی به نحو شایسته در قالب مسئول تصمیم شرکت و یا نتایج حاصل از آن قرار نگیرد. به‌علاوه، در برخی از شرایط، اگرچه می‌توان شرکت را به دلیل ارتکاب نقض مقصر قلمداد کرد، ولی فردی را نمی‌توان در این خصوص دارای مسئولیت کیفری محسوب نمود. برای مثال زمانی که سیاست‌های شرکت به نقض حقوق بشر توسط افرادی منجر شده که دیگر در شرکت حضور ندارند.<sup>۳۴</sup> و یا در مواردی که یک رکن جمعی شرکت با اکثریت و نه اتفاق آراء، تصمیم به ارتکاب عملی می‌گیرد که در نهایت به نقض حقوق بشر منجر می‌شود، اما به دلیل مخفی بودن آراء، امکان تعیین افرادی که به این تصمیم رأی مثبت داده‌اند ممکن نیست و یا زمانی که به دلیل اجرای سیاستی در شرکت، حقوق بشر نقض می‌شود، در عین حال دلایل کافی برای تعیین فرد مسئول اتخاذ سیاست مورد نظر وجود ندارد.<sup>۳۵</sup>

حتی در مواردی که در تئوری، اعمال شرکت قابل فروکاست به افراد باشد، ساختارهای متعدد و پیچیده شرکت‌ها، شناسایی افراد مرتکب را در عمل بسیار دشوار می‌کند.<sup>۳۶</sup> ویژگی‌هایی مانند ماهیت عمدتاً غیرشفاف پاسخگویی در ساختار شرکت، قابلیت کنار گذاشتن افراد، رویه شرکت‌ها مبنی بر تفکیک میان آنهایی که مسئول خسارت‌های قبلی هستند و آنهایی که مسئول ممانعت از وقوع نقض‌هایی در آینده هستند و همچنین حمایت داخلی شرکت از افراد مشکوک همگی منجر به دشواری در ارجاع به اشخاص خطاکار می‌شود و ارزش بازدارنده تعقیب را تحت الشعاع قرار می‌دهد.<sup>۳۷</sup> برقراری مسئولیت کیفری برای مدیران، کارمندان و به‌عبارت‌بهرتر اعضای شرکت، موضوع مشارکت شرکت در فعالیت‌های ناقض حقوق بنیادین بشر را مرتفع نمی‌کند. اعضای شرکت فعالیت‌های خود را عمدتاً در چهارچوب شرکت و به‌منظور ایجاد نفع برای شرکت انجام می‌دهند، حتی اگر صراحتاً مجوز انجام آن فعالیت‌ها وجود نداشته باشد و بنابراین می‌توان وجود یک ارتباط ارگانیک میان اعمال انجام شده توسط اعضای شرکت و شرکت را به‌راحتی شناسایی کرد.<sup>۳۸</sup> به‌علاوه تفکیک قدرت در

33. Brent Fisse and John Braithwaite, *Corporations, Crime and Accountability* (Cambridge: CUP, 1993), 31.

34. Ibid 46

35. Ronald Slye, "Corporations, Veils and International Criminal Liability", *Brooklyn Journal of International Law* 33(2008): 961.

36. Joanna Kyriakakis, "Australian Prosecution of Corporations for International Crimes: The Potential of the Commonwealth Criminal Code", *Journal of International Criminal Justice* 5 (2007): 825.

37. Fisse and Braithwaite, (op. cit.), 36-41.

38. Mordechai, (op. cit.), 912

داخل شرکت، کشف جرم و اثبات ارتکاب آن را دشوارتر نموده و مخفی کردن و فرار از مسئولیت را برای افراد آسان‌تر می‌سازد.<sup>۳۹</sup>

به‌علاوه مسئولیت کیفری شرکت، قابلیت پاسخگویی برای اعمال مجرمانه‌ای را که به‌صورت جداگانه توسط افراد، مدیران و کارکنان مختلف شرکت انجام شده است را به نحو مجتمع و یکباره فراهم می‌کند. این امر زمانی دارای اهمیت اساسی است که مجرمانه بودن عمل به گستردگی و یا شدت اعمال مجرمانه وابسته است، مثل ژنوساید، جنایات جنگی و یا جنایت علیه بشریت.<sup>۴۰</sup> در نتیجه، اگر بازدارندگی یک نگرانی جدی باشد، جزادهی به شرکت به‌صورت مستقیم، بیش از کیفردهی افراد به دغدغه‌های مربوط به بازدارندگی پاسخ می‌دهد. به‌علاوه پیگرد شرکت انگیزه‌ای برای شرکت ایجاد می‌کند که به‌صورت داخلی به فرایندهای اجرایی، عملیات و فعالیت‌های شرکت نظارت کند و بنابراین تغییراتی را در فرهنگ داخلی شرکت و عملکرد آن ایجاد نماید.<sup>۴۱</sup>

## نتیجه

تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر که در نتیجه بروز مکرر موارد نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث، به‌ویژه شرکت‌های بزرگ و فراملی، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر طرح شده و توسط نهادها و دیوان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر بسط یافته است، اگرچه تعیین روش‌ها و ابزارهای حمایت از حقوق بشر و مبارزه با نقض آن توسط اشخاص ثالث را برعهده دولت‌ها قرار می‌دهد ولی تأکید می‌کند، تعهد بین‌المللی دولت در این زمینه زمانی محقق می‌گردد که اولاً، دولت با استفاده از کلیه ابزارها و روش‌های مناسب به نحو معقولی از بروز موارد نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث جلوگیری نموده و ثانیاً، در صورت بروز احتمالی، مرتکب متناسباً تنبیه شده و خسارت‌های مادی و معنوی قربانیان به نحو شایسته جبران گردد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای تحقق این تعهد بین‌المللی استفاده از سازکارها و ابزارهای حقوقی و تصویب و اجرای قوانین است، همان‌گونه که در حال حاضر نیز بسیاری از دولت‌ها با تصویب قوانین مختلف اداری، مدنی و جزایی تلاش نمودند با موارد نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث مبارزه نمایند. در این میان شرکت‌ها و به‌ویژه شرکت‌های بزرگ و فراملی هم به دلیل برخورداری از قدرت و توانایی‌های بسیار زیاد، در مواردی حتی بیش از برخی دولت‌های کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه و هم به علت فعالیت در حوزه‌هایی که پیشتر جزء صلاحیت انحصاری دولت محسوب می‌گردد، می‌توانند تهدیدهای جدی‌تری را علیه حقوق بشر مطرح نمایند و در نتیجه نیازمند قانونگذاری‌ها و توجه ویژه هستند. بررسی نظام‌های مختلف قضایی حاکی از آن است که در نظام‌های ملی یا اساساً قوانینی در خصوص منع نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها به‌صورت خاص

39. Thomas Weigend, "Societas delinquere non potest? A German Perspective", *Journal of International Criminal Justice* 6 (2008): 932.

40. Slye, (op. cit.), 960-1.

41. Clough, (op. cit.), 10.



وجود ندارد و یا در صورت وجود احتمالی، این امر یکسره به قوانین مدنی و یا اداری واگذار شده است. این در حالی است که حقوق جزا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های حقوق داخلی، هم به دلیل برخورداری از جایگاه و منزلت ویژه و هم به‌واسطه برخورداری از ابزارها و توانمندی‌های منحصربه‌فرد می‌بایست برای مبارزه با موارد نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت توسل به ابزارهای حقوق جزا از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که بدون بهره‌مندی از آن، حداقل در مورد تعدادی از بنیادی‌ترین حق‌های بشری همچون، حق حیات، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری به‌دشواری می‌توان ادعا کرد که تعهد دولت به حمایت از حقوق بشر به‌درستی محقق شده است. پذیرش مسئولیت کیفری شرکت‌ها در قبال نقض حقوق بنیادین بشر در نظام‌های حقوق داخلی نه‌تنها شرایط را برای پاسخ مناسب جامعه به نقض بنیادی‌ترین ارزش‌هایش فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند به خوبی به‌عنوان یک عامل بازدارنده از موارد نقض عمل کند و همچنین در موارد نقض احتمالی نیز، تعقیب کیفری و مجازات شرکت مرتکب، به‌جای تعقیب و مجازات مدیران و کارکنان شرکت، علاوه‌برآنکه احتمال بی‌کیفرمانی نقض حقوق بنیادین بشر را کاهش می‌دهد، با مجازات مرتکب واقعی جامعه را به اجرای عدالت امیدوار نموده و امکان جبران خسارت قربانیان را به‌واسطه دسترسی آسان‌تر به منابع مالی شرکت فراهم می‌کند. البته باید توجه داشت که در حال حاضر بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی، اساساً، مسئولیت کیفری شرکت‌ها را نپذیرفته‌اند و در برخی از نظام‌های حقوقی که این نوع از مسئولیت به‌طور کلی به رسمیت شناخته شده است، قانونگذاری خاصی در خصوص نقض حقوق بشر وجود ندارد؛ بنابراین شایسته است حقوق بین‌الملل بشر با استفاده از نظرات علمای حقوق جزا از نظام‌های مختلف حقوقی، حداقل در خصوص نقض بنیادی‌ترین حق‌های بشری چهارچوبی الزام‌آور را به دولت‌ها برای شناسایی مسئولیت کیفری شرکت‌ها و جرم‌انگاری موارد نقض این حقوق بنیادین ارائه دهد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

تبیست، مارک. *فلسفه حقوق*. ترجمه حسن رضایی خاوری. مشهد: موسسه فرهنگی قرن، ۱۳۸۴.  
کاتینگهام، جان. *فلسفه مجازات*. ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی. *مجله فقه و حقوق* ۱(۴)(۱۳۸۴): ۱۵۰-۱۶۲.

### ب) منابع انگلیسی

African Commission on Human and Peoples' Rights, "Zimbabwe Human Rights NGO Forum/Zimbabwe", (Comm. 245/2002, Report of 11-25 May 2006), par. 136.

Brodowski, Dominik. *Manuel Espinoza de los Monteros de la Parr, Klaus Tiedemann and Joachim Vogel. Regulating Corporate Criminal Liability*. New York: Springer, 2014.

Clapham, Andrew. "Regional Human Rights Bodies", in *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, edited by Andrew Clapham. Oxford: Oxford University Press, 2006.

Clough, Jonathan. "Not-so-innocents abroad: corporate criminal liability for human rights abuses" *Australian Journal of Human Rights* 11(1)(2005): 1-32.

Coffee, John C. "Does 'unlawful' mean 'criminal'?: reflections on the disappearing tort/crime distinction in American law". *Boston University Law Review* 71(1991): 201-252.

Craven, Matthew C. R. *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: A Perspective on its Development*. Oxford: Oxford University Press, 1995.

European Court of Human Rights, Grand Chamber Judgment of 28 October 1998, *Osman v. the United Kingdom*, Appl. 23452/94.

European Court of Human Rights, Grand Chamber Judgment of 30 November 2004, *Oneryildiz v. Turkey*, Appl. 48939/99.

Fishman, Benjamin C. "Binding Corporations to Human Rights Norms through Public Law Settlement". *New York University Law Review* 81(2006): 1433-1468.

Fisse, Brent and John Braithwaite. *Corporations, Crime and Accountability*. Cambridge: CUP, 1993.

Gruner, Richard S. *Corporate Criminal Liability and Prevention*. New York: Law Journal Press, 2005.

Human Rights Committee: Concluding Observations, *Libyan Arab Jamahiriya*, CCPR A/54/40 vol. I, 1999.

Human Rights Committee: Concluding Observations, *Senegal*, CCPR A/53/40 vol. I, 1998.

Human Rights Committee: View of 29 March 1982, *Bleier v. Uruguay*, Comm. 30/1978.

Kahan, Dan M. "Social meaning and the economic analysis of crime". *The Journal of Legal Studies* 27(S2) (1998): 609-622.

Kremnitzer, Mordechai. "A Possible Case for Imposing Criminal Liability on Corporations in International Criminal Law". *Journal of International Criminal Justice* 8(2010): 909-918.

Kyriakakis, Joanna. "Australian Prosecution of Corporations for International Crimes: The Potential of the Commonwealth Criminal Code", *Journal of International Criminal Justice* 5(2007): 809-826.

Inter American Court of Human Rights, Judgment of 28 January 2009, Perozo v. Venezuela.

Pinto, Amanda and Martin Evans. *Corporate criminal liability*. London: Sweet & Maxwell, 2003.

Ramasastri, Anita. "Corporate Complicity: From Nuremberg to Rangoon. An Examination of Forced Labor Cases and their Impact on the Liability of Multinational Corporations". *Berkeley Journal of International Law* 20(2002): 91- 159.

Shue, Henry. "The Interdependence of Duties" in *The Right to Food*, edited by Philip Alston and Katarina Tomasevski. Dordrech: Martinus Nijhoff Publishing, 1984.

Slye, Ronald. "Corporations, Veils and International Criminal Liability". *Brooklyn Journal of International Law* 33(2008): 955-947.

Ssenyonjo, Manisuli "the Applicability of International Human Rights Law to Non-State Actors: What relevance to Economic, Social and Cultural rights". *The International Journal of Human Rights*, 12(5)(2008): 725-760.

Ssenyonjo, Manisuli. *Economic, Social and Cultural Rights in International Law*. Oxford: Hart Publishing, 2009.

Stephens, Beth. "The Amoral of Profit: Transnational Corporations and Human Rights". *Berkeley Journal of International Law* 20 (2002): 40-63.

Sunga, Lyals. *Individual Responsibility in International Law for Serious Human Rights Violations*. Dordrecht: Martinus Nijhoff Publishers, 1999.

"The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant". Human Rights Committee: General Comment No. 31, 29 March 2004.

"The right to life". Human Rights Committee: General Comment No. 6, 30 March 1982.

Van Kempen, P.H.P.H.M.C. "Human Rights and Criminal Justice Applied to Legal Persons: Protection and Liability of Private and Public Juristic Entities under the ICCPR, ECHR, ACHR and AfChHPR", *Electronic Journal of Comparative Law* 14.3 (2010). Accessed December 12, 2015. <http://www.ejcl.org>.

Weigand, Thomas. "Societas delinquere non potest? A German Perspective". *Journal of International Criminal Justice* 6(2008): 927-945.